



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۳/۳۱



محمد حلیم تنویر

یک پیشنهاد به هیأت انتسابی مذاکره کننده دولت افغانستان با تحریک طالبان

اخیراً دولت جمهوری افغانستان هیأتی را جهت مذاکره و راه حل دستیابی به صلح و آشتی ملی با طالبان تعیین نمود. از جانب طالبان هم شخصیت های مذاکره کننده از قبل تعیین شده اند. هر دو طرف سعی دارند تا در مورد صلح و آینده سیاسی افغانستان باهم گفتگو نمایند. ولی از جهات مختلفی در هر دو جناح ابهامات و ناهمگونی های وجود دارد که مردم افغانستان در این خلاء سیاسی، هراس دارند که با سرنوشت ایشان و آینده افغانستان چه تصامیمی گرفته خواهد شد.

از جانب افغانستان بیست تن انتخاب شده اند. کسانی در این مجموعه اند که نماینده گی از یک حزب و گروه و قوم میکنند و یا هم فرزندان یا اعضای خانواده شخصیت های مطرح جنگ چهل ساله شامل این گروه است که اکنون میخواهند الفبای سیاسی را از نو بالای آنها به قیمت سرنوشت مردم افغانستان تجربه نمایند تا در ادامه قدرت و غصب کرسی های دولت آینده، این افراد باقی بمانند.

با احترامی که به هیأت بیست عضوی دولت دارم، نکاتی وجود دارد که مردم ما را به تشویش وامی دارد و در مورد آینده خویش نگران اند. البته آنان نباید از حرف ها و بیان حقیقت ها که ارائه میدهم آزرده خاطر شوند و یا عقلمندانه سیلی انتقام جویانه را بمن نزنند و برایم دسیسه نسازند.

تا جاییکه شناخت از افراد هیأت دارم بسیاری از آنها در موضوعات مهم اجتماعی نه تنها آگاهی کامل ندارند، بلکه افغانستان را درست نمی شناسند. آنان به مانند گودی های کوکی اند که جهت نمایش در ویتترین مذاکرات نشانیده می شوند و از طریق ارتباطات شخصی برای نظام آینده افغانستان جایگاه خویش را از قبل با توافق طالبان تعیین می کنند.

پس این هیأت مستقل، ملی گرا، وطن دوست، صاحب نظر، و مبارز نبوده بلکه معجون مرکبی از شخصیت های کاذبی اند که به افغان بودن خود نظر به زمان هم شک دارند. پول همه سرنوشت شانرا به سهولت تعیین می نماید نه اندیشه ملی و مردمی.

دوم این هیأت هیچ نوع مطالعه در ابعاد مختلفه اجتماعی کشور ما ندارند. در خانه بزرگان سیاسی چهار دهه گذشته بزرگ شده، دین را وسیله قرار داده اند و از دین هم آگاهی کامل ندارند در خدمتگذاری و چاپلوسی ید طولا دارند و تا هنوز از پس مانده شوربای باسی رهبران خود تغذیه می شوند. خودارادیت ندارند، در بین مردم از جاهت مردمی و ملی برخوردار نیستند، دلسوز به جامعه و مردم نبوده فاصله آنها با مردم خیلی دور است ولی در پای خلیزاد، ناتو، ایران و پاکستان، امریکاوو خیلی بوت ها را پالش داده اند.

این هیأت نه نماینده گی از دولت می توانند و نه هم با طالبان مقاطعه دارند. یعنی با شوربای طالبان جنگی اند و با گوشتش آشتی. ارتباط مخفی شان بهتر از کارکرد های اجتماعی شان است. بیوگرافی و زنده گی نامه شان با اسناد تحصیلی جعلی و دروغین و ساخته گی بوده و از طریق بزرگان حمایه گر شان موجب که به صحنه کشانیدن آنها منحیث نمونه های سیاسی پیشکش شده اند، می باشد. نه مرد شان نماینده گی مردان زحمتکش و غریب افغانستان را می توانند و نه زن شان از درد کلبه های فقیرانه و زحمت خانواده گی و محرومیت های زنان افغانستان باخبر اند. در آنطرف قضیه طالبان اند. هیأتی که از طریق زورگویی و جنگ میخواهند حقانیت خود را بالای امریکا و سرانجام وصی بودن خود را برای آینده افغانستان به اثبات برسانند. آنها پای خود را از گلیم بیشتر دراز نموده اند. یعنی حتی در ترکیب هیأت دولت افغانستان هم ابراز نظر می نمایند. کار اصلی شان با امریکاییان است زیرا باور دارند که دولت کنونی توانایی و صلاحیت اجرایی خواسته های آنها را ندارد.

طالبان سعی دارند تا دولت کنونی تغییر نموده و آنها بعد از برآورده شدن خواسته های اقتصادی- اجتماعی شان به خواسته های سیاسی خود در افغانستان برسند. طالبان به امریکا متعهد شده اند که با اهداف امریکا موافق در سطح ملی و بین المللی به پیش میروند. در ترکیب هیات هم‌توازن جنسیتی وجود ندارد و کسی بعنوان نماینده زنان افغانستان شرکت نمی کند. و از همینگونه مسایل زیاد دیگر.

من نگارنده منحيث يك افغان به خود اين حق را ميدهم تا از هر دو طرف سوالاتي داشته باشم. که آیا آنها ظرفیت کار و صلاحیت ابراز نظر و درایت برنامه ریزی آینده کشور را دارند و یا خیر؟ زیرا استادی پیشهء منست و روزنامه نگاری و تاریخ مسلک تخصصی که چهل سال بدینسو دارم.

اگر دولت اجازه بدهد تا از هیأت بیست نفری، بطور جداگانه ده سوال مینمایم. هرگاه یک سوال ازین ده پرسش راهر کدام شان بطور نسبی جواب دادند و حد اقل پنجاه جمع یک را گرفتند یعنی ۶۵، ۵۰ که برابر با رأی دکتور اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان شود، اوحق دارد در این گفتگو و جلسه شرکت نماید.

سوالات ده گانه در موارد زیر است: ۱- تاریخ. ۲- جغرافیای سیاسی. ۳- زبان پشتو. ۴- زبان دری. ۵- جامعه شناسی. ۶- مردم شناسی. ۷- روانشناسی سیاسی.. ۸- روابط بین الملل (منطقوی و جهانی) ۹- حقوق اداری. ۱۰- دولت داری و برنامه ریزی های آن.

در صورتی که آنها از صد نمره، حد اقل پنج نمره یعنی (از ده نمره نیم نمره) هم اخذ نمودند، من منحيث استاد به آنها حق ميدهم تا در گفتگوی سرنوشت افغانستان شرکت نماید. در غیر آن اکیداً توصیه دارم که لطفاً افغانستان و سرنوشت مردم ما را دوباره به بازی نگیرید. مردم ما از جنگ و نابسامانی خسته شده اند. بگذارید افراد واجد شرایط صادقانه در عرصه کارزار سیاسی و اجتماعی فعال گردند. نه خود را مسخره کنید و نه ملت و افغانستان را دیگر به افتضاح بکشانید.

